

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## تفسیر مختصر سورہ یونس

محمد صادق تهرانی

تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۲۵

شماره: ۹۰۱۰/۱۰۰۷

پست: ندارد



## تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

مبارک (و خجسته) است خدایی که بر (قلب نورانی) بندهٔ ویژه خود، فرقان (کتاب جدا سازندهٔ حق از باطل) را فرو فرستاد، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.

کتاب حاضر، برگزیده‌ای است از تفسیر «ترجمان فرقان» - به زبان فارسی - که مختصری است از تفسیر شریف «الفرقان فی تفسیر القرآن» به قلم توانای خادم‌القرآن، آیت‌الله‌العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی (قدس سره)، که به حق از نوادر دوران در علوم و معارف الهی و کشف حقایق و دقائق قرآن کریم بود. تألیف «تفسیر الفرقان» - به زبان عربی و در سی جلد - از سال ۱۳۵۳ شمسی در بیروت، آغاز، و در سال ۱۳۶۷ در شهر مقدس قم، به پایان رسید، و به موازات تألیف، در لبنان، عراق و ایران، چاپ گردید. تحریر مجموعه گرانقدر «ترجمان فرقان» نیز در سال ۱۳۸۵ شمسی، توسط معظم‌له، مرقوم و به زینت طبع آراسته شد و اکنون با پیگیری جمع کثیری از دوستداران معارف قرآن، تفسیر مختصر سوره یونس، بعنوان بخشی از این اثر گرانبها آماده چاپ است.

جامعهٔ علوم القرآن، با هدف حفظ آثار و اندیشه‌های گوهر بار آیت‌الله‌العظمی صادقی تهرانی (قدس سره)، مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ پس از بررسی صحت و تطبیق با متن اصلی در اداره کل نظارت بر چاپ و نشر آثار معظم‌له، و ثبت مراتب در پرونده شماره: ۹۰۱۰/۴۰۲/۱۰۷ چاپ و نشر این نسخه از کتاب «ترجمان فرقان - تفسیر مختصر سوره یونس» را برای انتشارات شکرانه (مرکز نشر آثار آیت‌الله‌العظمی صادقی تهرانی (قدس سره)) تأیید می‌نماید.

بدیهی است که انتشار این اثر شریف پس از چاپ، منوط به دریافت مجوز نشر (توزیع)، و تجدید چاپ آن، مشروط به تأیید و صدور مجوز کتبی جامعهٔ علوم القرآن خواهد بود.

والسلام علی عبادالله الصالحین  
جامعهٔ علوم القرآن  
مسعود صادقی

سرشناسه: صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۰۷ - ۱۳۹۰.  
عنوان قراردادی: الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه فارسی. برگزیده  
عنوان و نام پدیدآور: ترجمان فرقان، تفسیر مختصر سوره یونس / محمد  
صادقی تهرانی.

قم: شکرانه، ۱۳۹۰. ۴۳ص.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۳۳۷۲۹۶

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴

موضوع: تفاسیر (سوره یونس)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۱۳۹۵۴۰۴۲۱۵۷۵ ف۴۰۲۳/ص BP۹۸

رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۳۱۲۴۵



## ترجمان فرقان

### ترجمه مختصر سوره یونس

مؤلف: آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی

- ناشر: انتشارات شکرانه
- تهیه و تدوین: گروه محققین
- حروفچینی و ویرایش: واحد تهیه و تنظیم متون انتشارات شکرانه
- امور هنری: واحد گرافیک جامعه علوم القرآن
- چاپ: یاران
- نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۰
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۷۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۳۷-۲۹-۶

نشانی: قم، بلوار امین، کوی ۲۱، پلاک ۷

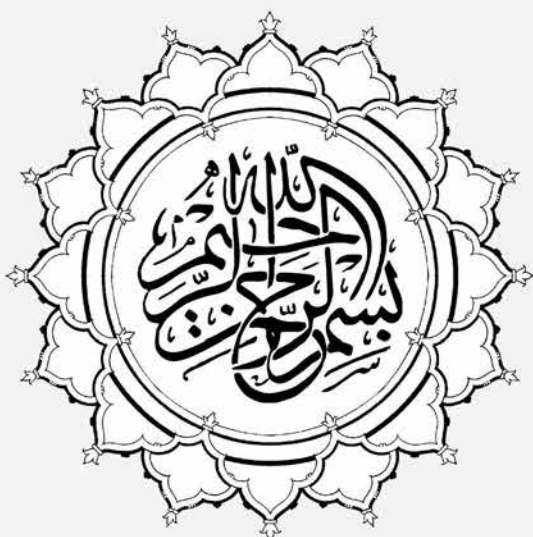
جامعه علوم القرآن، تلفن: ۲۹۳۴۴۲۵ - ۰۲۵۱

انتشارات شکرانه، تلفن: ۲۹۲۵۴۹۹ - ۰۲۵۱ / شماره: ۲۹۲۴۸۶۷ - ۰۲۵۱

[www.forghan.ir](http://www.forghan.ir)

[www.shokraneh.net](http://www.shokraneh.net)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ می‌باشد.





تقریظ علامه طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نامہ شریف ہمدردی، باہر جہد تفسیر شریف قرآن زیارت  
دیس دوزخ ہاں سے رقت و قطع و خیر رسدہ سستی  
در نصیحت حجابی را در در یافت دایم حمد صدیقی نوردم  
و امید و درم کہ پیوستہ قرین عاقبت و نصیحت بردہ  
و با لطافت و عفت یات خداوندی عز و مجد تریہ و سجد  
بائیدہ .

تفسیر شریف قرآن را زیارت شکر کند دست کہ صاحب  
روزی چشم دایہ و تقاضاست نہادہ با تمام خوبی  
سعی نمود در این رسدہ تفسیر میں تفسیر قرآن را  
مبذول ددستہ در خدمت بعد رفت قرآن د پردہ  
بر دردی نوروی دخی بر این کتاب لکرنہ و سوائے  
و سوائے نباشد توفیق و تائید صاحبان را در خدمت  
عز و مجد و سجد و سجد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
محمد حسین طباطبائی

## مقدمه ناشر

ستایش، ویژه پروردگار جهانیان است؛ همو که به راز ذاتی دلها، بسی داناست. او که بر سر و سامانمان نعمت فرو ریخت؛ و ما را توفیق نشر معارف قرآن، که رهنمودی است برای تقوا پیشگان، عطا فرمود. و سپاس فراوان، حضرت اقدس خدای منان را سزاست؛ که قرآن - این آخرین حجت و حیانی - را هادی جهانیان فرستاد. و ما را در طریقت بندگی و خدمتگذاری، یاری فرمود.

کتاب حاضر، بر گرفته از تفسیر مختصر ترجمان فرقان است. این ترجمان گرانقدر، تفسیر مختصر سوره یونس است؛ به گونه‌ای شایسته، و با کمال باریک‌بینی و حقیقت‌نگری و بدور از پیش فرض‌ها، عوامل بیرونی، آراء و اقوال مختلف و انتظارات تحمیلی، تنها بر مبنای قرآن و با استفاده از ابزار و لغات و یافته‌های درونی آیات آن، که با آگاهی دقیق، به زبان فارسی، تفسیر شده است. مطالبی همچون رجعت در دولت مهدی (عج) و محدودیت عذاب جهنم، از جمله نکات بدیعی است که در تفسیر این سوره، بدان توجه شده است.

نگارنده این اثر گرانها، علامه عارف، آیت‌الله العظمی دکتر محمد صادقی تهرانی (قدس‌الله تریته الزکیه) است که به حق، از نوادر دوران در تفسیر حقایق و دقایق قرآن کریم و شهید راه خدا بود؛ و با پیشینه بیش از نیم‌قرن کاوش بی‌شائبه درون قرآنی، برای دریافت حقایق و ظرایف کلام وحی الهی، پس از تالیف سی جلد تفسیر الفرقان (به زبان عربی)، و تنظیم تفسیر موضوعی سی‌جلدی آن، و نیز، تفسیر البلاغ که فشرده تفسیر قرآن به قرآن است؛ و ترجمان وحی (ترجمان قرآن کریم)، و همچنین در حدود شصت سال تدریس تفسیر قرآن، به زبان‌های عربی و فارسی، در حوزه‌های علمیه قم، تهران، نجف، مکه، مدینه، بیروت، و سوریه و پس از تألیف تعداد بسیاری کتب فقهی، اصولی، مقارنات ادیان، فلسفی، عرفانی، عقیدتی، سیاسی و ... و در مرحله آخر تحقیقات قرآنی خویش، این اثر نفیس را، برای فارسی‌زبانان، حجت و بیانی روشن‌گر، و برای سایر ترجمه‌ها، پس از متن عربی قرآن، اصل و بنیادی شایسته، به یادگار گذارد؛ و روح پاکش به ملکوت اعلا و نزد پروردگار جهانیان شتافت.

نشر معارف قرآن، این آخرین کلام و حیانی، برای ما رحمت و اسعه و افتخاری گرانمایه است. امید آنکه طالبان حقیقت و جویندگان طریقت، از آن بهره گیرند و ما را سهیم دعای خیرشان دارند.

## ترجمان فرقان

### تفسیر مختصر سوره یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

به نام خدای رحمتگر بر آفریدگان، رحمتگر بر ویژگیان

الر. این است آیات کتاب پر حکمت. ﴿١﴾

آیه ۱- «تلك» اشاره ایست به این حروف مقطعه که آیاتی رمزی از قرآن است، و نیز اشاره ایست به قرآن مفصل که هر دو حکیم اند.

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ

ءَامَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾

آیا برای مردم شگفت آور بوده که به مردی از خودشان وحی کردیم که:

«مردمان را هشدار ده، و به کسانی که ایمان آوردند مژده ده که برای آنان نزد

پروردگارشان به راستی قدمی (و اقدامی) راست (و پای برجا) است؟» کافران

گفتند: «این (مرد) بی گمان افسونگری آشکارگر است.» ﴿٢﴾

آیه ۲- «قدم صدق» قدم و اقدامی است راست و استوار، در مربع زندگی: -

دنیای عادی، رجعت، برزخ و قیامت - که کلاً «عند ربهم» است.

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأُمُورَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾

به راستی پروردگارتان خدایی است که آسمانها و زمین را در شش زمان آفرید. سپس بر عرش (تدبیر) چیره شد، حال آنکه کار (آفرینش) را تدبیر می‌کند. هیچ شفاعتگری جز او - مگر پس از اذنش - نیست. این خدا پروردگار شماست. پس او را بپرستید. آیا پس (از این هم) متذکر نمی‌شوید؟ ﴿٣﴾

آیه ۳- «ایام» به معنای زمانهاست، و نه شب و روز، زیرا به هنگام آفرینش آسمانها و زمین، هنوز شب و روزی - که پدیده گردش زمین می‌باشد - نبوده است «عرش» هم اینجا - چنانکه در بیست آیه دیگر نیز آمده - به معنای سلطه تدبیری است، بدین معنی که همانگونه که پروردگار، آفریننده آسمانها و زمین است، تدبیر اینها نیز ویژه اوست، و «شفیع» هم اینجا به معنای میانجی در بعضی از تدبیرات است، مانند بخشش گناہانی که با شفاعت شایستگان به اذن خدا انجام داده می‌شود، و هرگز به معنای شفاعت در تکوین و تشریح که ویژه حضرت اقدس الهی است نیست.

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾

بازگشت همه‌ی شما تنها سوی اوست. وعده‌ی حقانی خدا را (پاس بدارید)؛ هموست که آفرینش را همواره آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، تا

کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته (ی ایمان) کرده‌اند، افزون (از حقشان) پاداش دهد. و کسانی که کافر شدند به سزای کفرشان آشامیدنی‌ای از مایعی جوشان و عذابی پردرد خواهند داشت. ﴿٤﴾

آیه ۴- «بالقسط» ربانی برتر از عدل است، و پاداش ایمان و عمل صالح هم بیشتر از اینهاست.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾

او کسی است که خورشید را روشنایی‌ای و ماه را نوری نهاد و آن (ماه) را (در) جایگاه‌هایی (پیایی) اندازه گرفت، تا شماره‌ی سالها و حساب را بداند. خدا آنها را جز به حق، نیافرید (و) نشانه‌ها (ی خود) را برای گروهی که می‌دانند، (به روشنی) جداسازی می‌کند. ﴿٥﴾

آیه ۵- ضیاء و نور شمس و قمر درباره ما زمینیان است، و نه دیگران که شمس‌ها و قمرهای آسمانی دیگری دارند.

إِنَّ فِي آخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾

به راستی، پیایی یکدیگر آمدن شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفرید، برای مردمی که پروا دارند همواره نشانه‌هایی (آشکار) است. ﴿٦﴾

آیه ۶- آیات بودن آیات سماواتی در صورتی است که دیدار آنها امکان پذیر باشد چه از دور با وسایلی دورنگر و چه از نزدیک با کیهان پیمایها.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَأَطْمَأْنَنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ ءَايَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾



بی‌گمان کسانی که امید (به) لقای [شناخت و جزای] ما ندارند، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی هم که ایشان از آیاتمان غافل‌اند، ﴿۷﴾

آیه ۷- «لِقَاءَنَا» در این آیه - و مانند آن - پیوند و رسیدن معرفتی نسبت به سالکان فی سبیل الله است، و پیامد این معرفت هر چه بیشتر، رحمت‌های ویژه دنیوی و اخروی پروردگار است.

اینجا «نا» در «لِقَاءَنَا» بمعنای جمعیت صفات رحمانی و رحیمی پروردگار است، که در پرتو اینگونه صفات ربانی، معرفت جمعی سالکین «فی سبیل الله» روز افزون است.

أُولَئِكَ مَاؤُنْهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۸﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿۹﴾ دَعَوْنَهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَاخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾

ایشان به (کیفر) آنچه به دست می‌آورده‌اند، پناهاگهشان (همان) آتش است. ﴿۸﴾ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته (ایمان) کردند، بی‌گمان پروردگارشان به (پاس) ایمانشان آنان را هدایت می‌کند؛ حال آنکه در باغ‌های پر نعمت، از زیر (پاهای) شان نهرها روان است. ﴿۹﴾ نیایش آنان در آن جا (این) است که: «خدایا! تو پاک و منزّهی.» و درودشان در آنجا سلام است و پایان‌بخش نیایش آنان این است که: «ستایش ویژه‌ی پروردگار جهانیان است.» ﴿۱۰﴾

آیه ۱۰- «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» سلام را بهترین تحیات بر شمرده، گرچه بر حَسَبِ

آیه تحیت پاسخ هرگونه شادباشی - چه لفظی چه عملی، چه حالی و... - دست کم همانگونه که بوده است واجب، و بهتر از آن برتر می‌باشد، جز در نماز واجب که پاسخ سلام با غیر لفظ سلام حرام است، و «لا اله الا الله» در سبحانک و «إلا الله» در «تَحِيَّتُهُمْ» و هر دو در «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ترسیم شده است.

وَلَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَلْسِنَةً أَسْتَعْبَأَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَى إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَذَرُوا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا مَسَّ الْأُنثَى الْأَنْثَى الْأَنْثَى دَعَا لِحُبَّتِهَا أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَابِئًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُضُّهُ رَمَّى كَأَن لَّمْ يَذْعَبَ إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنَ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۱۳﴾

و اگر خدا برای مردمان - به همان شتابی که آنان در کار خیر می‌طلبند - در زیان‌شان شتاب کند، اجلشان سویشان بی‌چون در رسد. پس کسانی را که امید لقای ما را نمی‌دارند در طغیانشان (همچنان فرو) می‌نهمیم حال آنکه سرگردان بمانند. ﴿۱۱﴾ و چون انسان را آسیب فرارسد، ما را - به پهلو خوابیده، یا ایستاده - می‌خواند. پس چون گرفتاریش را بر طرف سازیم، چنان (بی‌تفاوت از آن) می‌گذرد، که گویی ما را برای زبانی که به او رسیده، نخوانده است. این‌گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دهند زینت داده شده است. ﴿۱۲﴾ و بی‌چون ما نسل‌های پیش از شما را - هنگامی که ستم کردند - بی‌امان به هلاکت رساندیم، حال آنکه پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، و (هرگز) بر آن نبوده‌اند که ایمان بیاورند. این‌گونه مردمان بزهکار را جزا می‌دهیم. ﴿۱۳﴾

آیه ۱۳- شاید «کم» در «من قبلکم» تمامی انسان‌های نسل آخرین را در بر

داشته، و «قبلکم» هم کل نسل‌های پیش از آدم را فراگیر است. و در این صورت «رسلهم» هم پیامبران آنانند، و «کم» دوم هم در آیه (۱۴)، همین نسل آخرین است که کلاً جانشینان گذشتگانند، چنانکه در آیه «انسی جاعل فی الارض خلیفه» گذشت، که این خلافت «همان» «خلیفه» است، و این احتمال افزون بر احتمالی دیگر است که «کم» در «من قبلکم» انسان‌های زمان وحی قرآن باشند.

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾ وَإِذَا ثُلَّيْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَتِيتَ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵﴾

سپس شما را پس از آنان در زمین جانشین (شان) قرار دادیم، تا (از روی آزمون) بنگریم چگونه رفتار می‌کنید. ﴿۱۴﴾ و هنگامی که آیاتمان به روشنی بر ایشان خوانده شود، آنان که لقای ما را امید ندارند گویند: «قرآن دیگری جز این (قرآن بر ایمان) بیاور، یا آن را تبدیل (به قرآنی دگر) کن.» بگو: «مرانرسد که آن را از پیش خود تبدیل کنم (و) جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌نمایم اگر پروردگارم را نافرمانی کنم همواره از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.» ﴿۱۵﴾

آیه ۱۵ - «بقرآن غیر هذا» از جمله ادله ایست بر این که کل کتابهای وحیانی، قرآن (خواندنی) هستند، جز آنکه این قرآن آخرین - که تمامی پیامهای ربانی را در طول زمانهای تکلیف در بر دارد - در برابر سایر قرآن‌ها، یعنی کتابهای آسمانی دیگر، قرآنی ویژه است، که در برابر این قرآن، گوئی آنها دیگر قرآن نیستند، که زمانهاشان سپری شده، و فروتر از این قرآنند، مانند وحی قرآنی، که سایر وحی‌های ربانی در برابرش - بر حسب آیه شوری - وصیت است؛

چنانکه رسالت‌های کل پیامبران نیز در برابر پیامبر اسلام خود مقدماتی برای این رسالت آخرین بوده است.

«إِن اتَّبِعِ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ» گرچه شامل وحی سنت نیز هست، ولی محورش وحی قرآنی است، زیرا سخن در این آیه بر همین محور است، روی این اصل وحی سنت در حاشیه و پیرو قرآن است، و هرگز مخالفی با آن ندارد، بنابراین روایاتی که از زبان پیامبر بزرگوار و سایر معصومان نقل شده و بر خلاف قرآن است، جعلی بوده و هرگز پذیرفته نیست؛ ولی روایاتی قطعی که نه موافق دلالت قرآنی است و نه مخالف آن، خود وحی قرآنی رمزی و مستفاد از رموز قرآنی است.

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۶﴾

بگو: «اگر خدا می‌خواست آن [قرآن] را بر شما نمی‌خواندم، و (خدا) شما را بدان آگاه نمی‌گردانید. پس به راستی (به گونه‌ای راستین) پیش از (آوردن) آن، عمری در میانتان به سر برده‌ام. پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟» ﴿۱۶﴾

آیه ۱۶ - «فقد لبثتُ فیکم عُمراً من قبله» نشانگر این حقیقت است، که وحی قرآنی هرگز بر مبنای علم و عقل شخص محمدی ﷺ نبوده، زیرا عمری در میان اینان زندگی کرده، و هرگز کلمه‌ای قرآنی نداشته، و ناگهان در سن چهل سالگی، این وحی ربانی پیاپی در مدت رسالتش بر حضرتش نازل گشته، که کلاً از نظر الفاظ و معانی یکسان و ربانی است، و اگر این الفاظ از آن حضرت می‌بود، اولاً چرا تا سن چهل سالگی ساکت بود، و ثانیاً این قرآن خود گواه است که مصدرش علم و رحمت مطلق بوده، و اینگونه سخن از عهده کل عالمیان بکلی خارج است.

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ  
الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ  
هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُتَّبِعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي  
الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدا بندد، یا با آیات او (همورا) تکذیب کند؟ بی گمان (حقیقت) چنان است که مجرمان (خود و دیگران را) رستگار نمی کنند. ﴿۱۷﴾ و به جز خدا، چیزی را می پرستند که نه زیانسان می رساند و نه سودشان می دهد، و می گویند: «اینان نزد خدا شفاعتگران مایند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمان ها و در زمین نمی داند، آگاهی بزرگی می دهید؟» او پاک (تر) و برتر است از آنچه (با وی) شریک می سازند. ﴿۱۸﴾

آیه ۱۸ - «بما لا يعلم» که خدا برای خود شریکی نمی داند مساوی با انکار هر شریکی از ناحیه اوست زیرا علمش مطلق است؛ و نمی داندش، به معنای نیست می باشد.

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِّى  
بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾

و مردم جز یک امت نبوده اند. پس اختلاف کردند، و اگر سخنی (در تأخیر عذابشان) از جانب پروردگارت در گذشته مقرر نگشته بود، بی گمان در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می کنند، میانشان داوری می شد. ﴿۱۹﴾

آیه ۱۹ - «أُمَّةً وَاحِدَةً» به معنای وحدت در ضلالت است، که انسانیت بدون وحی ربانی کلاً در گمراهی است، گرچه بر مبنای تفاوتی که در علمها و عقلاشان دارند، گمراهی هاشان نیز کم و زیاد است؛ ولی در اینکه کلاً

غوطه ور در گمراهی می باشند، و هرگز عالم و راه یافتۀ مطلق نیستند برابرند، سپس در پیامد رسالت های و حیانی میان نشان اختلاف پدید آمد، که گروهی ایمان آوردند و راه یافتند، و گروهی هم در کفر و بیراهه همچنان ماندند.

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا آيَةٌ مِّن رَّبِّي، قُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ  
مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

و می گویند: «چرا نشانه ای (رسالتی) از جانب پروردگارش بر او نازل نشده؟» بگو: «غیب فقط برای خداست، پس انتظار بکشید (که) همواره من (هم) باشم از منتظرانم.» ﴿۲۰﴾

آیه ۲۰ - اینجا «انما الغیب لله» غیب ربانی را ویژه پروردگار دانسته، و نشانه های رسالتی را نیز که از همان غیب است، در اختصاص خدا دانسته، و روی این اصل بر مبنای همین آیه و آیاتی دیگر، آیات و معجزات ربانی از نظر غیب و حکمت در انحصار خداست، و اینگونه نیست که در علم و توان پیامبران باشند، نه بعنوان عطیۀ ربانی، و نه استقلال؛ زیرا «انما» آنها را کلاً در انحصار خدا می داند، چنانکه «ولا یشرک فی حکمه أحداً» (۲۶:۱۸) نیز بیانگر همین انحصار است، که حکم تکوین و تشریح مخصوص خداست.

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ  
أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾

و هنگامی که مردم را - پس از آسبایی که بدیشان رسیده است - رحمتی بچشانیم، ناگهان آنان را در آیات ما نیرنگی است. بگو: «نیرنگ خدا سریع تر است.» بی امان، فرستادگان (ناطق و صامت) مان. آنچه نیرنگ می کنید ثبت و ضبط می کنند. ﴿۲۱﴾

آیه ۲۱ - «رسلنا» کل فرستادگان خدایند که اعمال مکلفان را ثبت و ضبط می‌کنند، اعم از رسولان صامت، همچون بدن‌ها و اعضای آنان، و زمین و فضا، و یا رسولان ناطق مانند فرشتگان و سایر معصومان، و همین کتابت‌ها «اسرع مکرراً» نه تنها به اندازه مکرهای زشت‌کاران است بلکه سریعتر است.

هُوَ الَّذِي يُسِيرُكُمْ فِي الْأَبْرِ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوْا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَسِئَ أَنْجَبِيْنَا مِنْ هَذِهِ، لَنُكَوِّنَنَّ مِنْ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾

او کسی است که شما را در خشکی و دریا همی می‌گرداند: تا هنگامی که در کشتی‌ها باشید و آنها با بادی پاکیزه و خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شاد (کام) شوند. (به ناگاه) بادی سخت و هولناک بر آنان وزد، و موج از هر سو برآید ایشان بتازد و گمان کنند که در محاصره (ی آن) افتاده‌اند. (پس) خدا را پا کدلانه برای طاعتشان می‌خوانند: «اگر ما را از این (ورطه) برهانی، همانا به راستی از سپاسگزاران خواهیم بود.» ﴿٢٢﴾

آیه ۲۲ - «جرین» که مشتمل بر ضمیر «هم» برای عاقلان است برای کشتی‌هاست که عاقلانه بآباد در حرکتند، زیرا بادهای حرکتی عاقلانه، به اراده خالق عقل و عاقلان دارند.

فَلَمَّا أَنْجَسَهُمْ إِذَا هُمْ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ بِتَأْيِهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾

پس چون آنان را رها کنید، ناگهان در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند. همان ای

مردمان! سرکشی شما فقط به زیان خودتان است (که) بهره‌ی زندگی دنیا را (می‌جویید). سپس بازگشت شما تنها سوی ما خواهد بود. پس شما را از آنچه انجام می‌داده‌اید خبری مهم خواهیم داد. ﴿٢٣﴾

آیه ۲۳ - «متاع الحیاة الدنیا» همان «بغیکم علی انفسکم» است، که زندگی پست دنیوی را به مصرف «انفسکم» که خودخواهی، خودراهی و خود بینی است رسانده‌اند.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾

مثل زندگی دنیا تنها بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم. پس گیاه زمین - از آنچه مردمان و دام‌ها می‌خورند - با آن در آمیخت؛ تا آن‌گاه که زمین پیرایه‌ی خود را برگرفت و بسی آراسته گردید. و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن توانايند. شبی یا روزی فرمان (ویرانی) ما آمد. پس آن را آن‌چنان درویده کردیم که گویی دیروز (هرگز) آرامش یافته وجود نداشته. این‌گونه نشانه‌ها (ی خود) را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی جداسازی

می‌کنیم. ﴿۲۴﴾ و خدا به خانه‌ی سلامتی، می‌خواند و هر کس را بخواهد سوی راهی راست هدایت می‌کند. ﴿۲۵﴾ برای کسانی که نیکی کرده‌اند، (پاداش) نیکوتر و فزون‌تر (از آن) است، و چهره‌هایشان را نقصان و کدورت و ذلتی نمی‌پوشاند. اینان همدمان بهشتند و در آن جاودانه‌اند. ﴿۲۶﴾ و کسانی که دستاوردهای بدی‌ها بوده، جزای بدی‌ای (دست بالا) مانند همان است، و خواری آنان را به ناچار فرا گیرد (و) از سوی خدا هیچ نگهبانی برایشان نیست؛ گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب بس تاریک کننده پوشیده شده است.

آنان همدمان آتشند، (و هم) ایشان در آن جاودانه‌اند. ﴿۲۷﴾

آیه ۲۷ - «جزاء سیئه بمثلها» از جمله ادله‌ی پایان یافتن عذابهای کل گنهکاران است، زیرا چنانکه گناهان و پیامدهایشان کلاً محدودند، طبعاً جزای آنها نیز محدود، و حداکثر از نظر عدل ربانی معادل و همانند گناه و پیامد آن است، و این خیال اهانت آمیز که برای جهنم پایانی نیست، خود بر خلاف این آیه و آیاتی مشابه است.

و يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَلُّنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِبَّانًا تَعْبُدُونَ ﴿۲۸﴾

(یاد کن) روزی را که همه‌ی آنان را گرد (هم) آوریم، سپس به کسانی که شرک ورزیده‌اند گوییم: «شما و شریکانتان بر جایگاهتان هم چنان باشید.» پس میانشان جدایی افکندیم و شریکانشان گفتند: «شما تنها ما را نمی‌پرستیدید.» ﴿۲۸﴾

آیه ۲۸ - «نقول» اینجا لفظ نیست، بلکه اراده‌ی ربانی است، به ویژه درباره جمادات و نباتات.

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ ﴿۲۹﴾

«پس گواهی خدا میان ما و میان شما بس است، اگر ما از عبادتتان همی غافل بوده‌ایم.» ﴿۲۹﴾

آیه ۲۹ - اینجا کفایت شهادت الهی بر رسالت و حیانی، بدین معنا نیست که خدا خود را به منکران بنمایاند، یا با آنها مستقیماً سخن گوید، بلکه تنها این قرآن است که بر و حیانی بودن و ربانیت خود صد در صد گواه است، و این گواهی خود، کفایت است.

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَسُهُمْ أَلْحَقِی وَصَلَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا یَفْتَرُونَ ﴿۳۰﴾

آنجاست که هر کس آنچه را (از گناهان) واپس نهاده است به حقیقت دریابد و سوی خدا - مولای حقشان - بازگردانیده شدند. و آنچه افترا می‌زده‌اند از نظرشان گم گشت. ﴿۳۰﴾

آیه ۳۰ - این «تبلاوا...» از براهین دوام صداها و سیماهای مکلفان است.

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾ فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ أَلْحَقُ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتَى تُصْرَفُونَ ﴿۳۲﴾ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ ﴿۳۴﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۵﴾

بگو: «کیست که از آسمان و زمین شما را روزی می‌دهد؟ یا کیست که مالک

گوش‌ها و دیدگان (تان) است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (خلقت) را تدبیر می‌کند؟ پس خواهند گفت: «خداست». پس بگو: «آیا (از او) پروا نمی‌کنید؟» (۳۱) پس این خدا پروردگار شما، تمامی حق است، و بعد از حق جز گمراهی چیست؟ پس چگونه و به کجا و چه زمانی (از حق) باز گردانیده می‌شوید؟ (۳۲) این گونه سخن پروردگارت بر (سر و سامان) کسانی که نافرمانی (عمدی و مدام) کردند تحقق یافت، که آنان بی‌گمان ایمان نمی‌آورند (زیرا دل‌هاشان سراسر سیاه گشته). (۳۳) بگو: «آیا از شریکانتان کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را برگرداند؟» بگو: «خداست که آفرینش را آغاز می‌کند، و سپس آن را باز پس می‌گرداند. پس کی و کجا (از حق) به گزاف باز گردانیده می‌شوید؟» (۳۴) بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که سوی حق رهنمون کند؟» بگو: «خداست که پایا، به حق رهبری می‌کند.» پس آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است پیروی شود یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه (خود) راهنمایی شود؟ پس شما را چه شده (و) چگونه داوری می‌کنید؟ (۳۵)

آیه ۳۵ - اینجا میان «یهدی للحق» الهی با «یهدی الی الحق» فرق است، که هدایت ربانی للحق و مماس می‌باشد و کلاً حق و موثر است، ولی هدایت‌های دیگران، اگر هم بوسیله حق است ذاتیتی نداشته، و تنها راهنمایی بسوی حق ربانی است، و در هر صورت کسی که خود گمراه است و نیازمند به هدایت می‌باشد، هرگز حق هدایتگری را ندارد، بلکه کسانی که به حق کاملاً آگاهند حق رهبری دیگران را بسوی حق دارند.

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشترشان جز از گمانی (بی‌مستند) پیروی نمی‌کنند (ولی کلاً) گمان، همانا به

هیچ وجه (کسی را) از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند. خدا همواره به آنچه می‌کند بسی داناست. (۳۶)

آیه ۳۶ - ظن در این آیه و تعدادی دیگر از آیات، کلاً از خط دلالت و حجیت برای یافتن حق سقوط کرده، که شریعت الهی شریعت علم است و نه گمان.

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

و این قرآن چنان نبوده است که از جانب غیر خدا به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق کننده آن چه هست که برابرش (ونمودار) است و (خود) جداسازی کتاب (ربانی) است (که) در آن شک مستندی نیست (و) از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۷)

آیه ۳۷ - «ماکان هذا القرآن» - مانند آیه شانزدهم که گذشت و آیاتی مشابه - اصولاً نسبت غیر و حیانی بودن قرآن را از قرآن به دور داشته، که این خود سلبی مطلق است، سپس «تصدیق الذی بین یدیه» قرآن را تصدیق کننده سایر کتابهای و حیانی دانسته، بدین معنی که قرآنهای وحی کلاً با یکدیگر همپا و همراهند، گرچه این قرآن آخرین، کاملترین و عمومی‌ترین کتابهای آسمانی تا پایان زمان تکلیف است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

یا می‌گویند: «آن را (به خدا) افترا زده است!» بگو: «اگر راستگو بوده‌اید، سوره‌ای همانند آن بیاورید و هر که را (در این کار) خدا می‌توانید،

فراخوانید.» (۳۸)

آیه ۳۸ - «سوره مثله» به معنای مجموعه‌ای همانند قرآن است که حتی یک آیه نام را تا چه رسد تمام قرآن را - شامل است، زیرا قرآن کلاً آیات و نشانه‌های وحیانی ربانی است.

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿۳۹﴾

بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشته و هنوز هم تأویل (و بازگردان حقیقی) آن برایشان نیامده. کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه (کتاب‌های وحیانی را) تکذیب کردند. پس بنگر پیامد ستمگران چه سان بوده است. ﴿۳۹﴾

آیه ۳۹ - «تاویل» به معنی مرجع نخستین و آخرین وحی است، و نیز حقیقت فعلی آن که در این مثلث تاویل وحی‌اند.

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿۴۰﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۴۱﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ ﴿۴۲﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يَبْصُرُونَ ﴿۴۳﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يُظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۴۴﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿۴۵﴾

و از آنان کسی است که بدان ایمان می‌آورد، و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی‌آورد. و پروردگارت به (حال) افسادگران داناست. ﴿۴۰﴾ و اگر تورا تکذیب کردند، بگو: «عمل من تنها برای من است و عمل شما تنها برای شماست.

شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید، و من (هم) از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم. ﴿۴۱﴾ و برخی از آنان کسانی‌اند که سوی تو گوش فرا می‌دارند. آیا پس تو (بی‌کی که) کران (معرفتی) را - هر چند خردورزی نمی‌کند - می‌شنوایی ﴿۴۲﴾ و برخی از آنان کسانی‌اند که سویت (کور دلانه، در ظاهر) می‌نگرند. آیا پس تو (بی‌کی که) نابینایان را هر چند نمی‌نگرند رهنمون می‌شوی؟ ﴿۴۳﴾ بی‌گمان خدا هرگز به مردمان ستم نمی‌کند، لیکن (این) مردمند (که) خود بر خویشان ستم می‌کنند. ﴿۴۴﴾ و روزی که آنان را گرد هم می‌آورد - گویی جز ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند - یکدیگر را بازشناسی می‌کنند (و) کسانی که لقاءالله را دروغ شمردند بی‌گمان زیان کرده‌اند و راه‌یافته نبوده‌اند. ﴿۴۵﴾

آیه ۴۵ - «ساعه من النهار» که بخشی از روز است، به خیال اینان پس از زنده‌شدن به روز رستاخیز، وانمود کردن جریان زندگی برزخ و دنیا است، که این دو در برابر زندگی اخروی گوئی بیش از ساعتی از روز نیستند، چنانکه گروهی دیگر گمان می‌کنند بخشی از روز و دسته‌ای ده شب است، ولی بر حسب آیه (۱۱۷:۲۳) مکث اینان نه این بوده و نه آن، بلکه در حقیقت مکشی اندک در برابر مکث جهان آخرت بوده است.

وَإِمَّا تُرِيتَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَتَوَقَّعُتَ فَاِلْتِنَا مَرَجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿۴۶﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۴۷﴾

و اگر ما به راستی پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم، به تو می‌نمایانیم، یا تورا بی‌چون بمیرانیم، (در هر دو صورت) بازگشتشان تنها سوی ماست. سپس خدا بر آنچه می‌کنند گواه است. ﴿۴۶﴾ و برای هر امتی پیامبری است. پس

چون پیامبر شان بیاید، میانشان به قسط [؛ عدالت و فضیلت] داوری شود حال آنکه بر ایشان ستم نرود. ﴿۴۷﴾

آیه ۴۷ - «کل امة» تمامی گروههای و حیانی اند که آخرینشان امت آخرین اسلامی اند، چنانکه «لكل امة اجل» در آیه (۴۹) نیز چنان است، و اجل امت اسلام هم اجل پایانی جهان تکلیف است.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۸﴾ قُلْ لَا أَتْلُوكُمْ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ ﴿۴۹﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن آتَيْنَاكُمْ عَذَابَهُ بَيْنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۵۰﴾ أَنتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَأَلْتَنَ وَقَدْ كُنتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿۵۱﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْرُونَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۵۲﴾

و می گویند: «اگر (از) راستان بوده اید، (تحقق) این وعده کی است؟» ﴿۴۸﴾ بگو: «من برای خود زیان و سودی (در اختیار) ندارم، مگر آنچه را که خدا خواست. برای هر امتی سررسیدی است (و) هنگامی که آن زمان فرارسد، نه (می تواند) لحظه ای از آن تأخیری بخواهند و نه (می توانند) پیشی جویند.» ﴿۴۹﴾ بگو: «آیا دیدید، اگر عذاب او شب یا روز به شما در رسد، بزهکاران چه چیزی از آن را به شتاب می خواهند؟» ﴿۵۰﴾ «سپس، آیا هنگامی که (عذاب بر شما) واقع شد، اکنون به آن ایمان آوردید، در حالی که به (آمدن) آن بسی شتاب می نموده اید؟» ﴿۵۱﴾ سپس به کسانی که ستم کردند گفته شد: «عذاب جاوید را بچشید. آیا جز به آنچه به دست می آوردید، جزا داده می شوید؟» ﴿۵۲﴾

آیه ۵۲ - «بما کنتم تکسبون» از جمله آیاتی است که جزای جهنمیان را به اندازه

گناهانشان خوانده، که همه عذابها مانند همه گناهها، محدود و پایان پذیر است، و عذاب بی نهایت، نسبت دادن ظلم بی نهایت به خداست؛ بلکه در غیر ظلم هم - بر حسب آیاتی - عذاب، کمتر از استحقاق است.

وَيَسْتَسْئِرُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُوبِ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۵۳﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۵۴﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۵﴾ هُوَ يُخَيِّئُ وَيُعِيذُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۵۶﴾ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِدَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۷﴾

و از تو خبری مهم درخواست می کنند (که)، «آیا این (وعده) راست و پای برجاست؟» بگو: «آری! سوگند به پروردگارم که آن به راستی و درستی راست و پای برجاست و شما درمانده کنندگان (خدا) نیستید.» ﴿۵۳﴾ و اگر همواره برای هر کسی که ستم کرده، آنچه در زمین است باشد، ناگزیر آن را برای (خلاصی و) باز خرید خود فدیة می دهد. و چون عذاب را دیدند پشیمانی خود را پنهان داشتند. و میان آنان به قسط [؛ عدالت و فضیلت] داوری شود و ستم (هم) نشوند. ﴿۵۴﴾ هان! (که) به راستی آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. هان! بی گمان وعدهی خدا حق است ولی بیشترشان نمی دانند. ﴿۵۵﴾ او زنده می کند و می میراند و به سوی بازگردانیده می شوید. ﴿۵۶﴾ هان ای مردمان! به راستی برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه (بیماری) در سینه ها (تان) دارید، و رهنمود و رحمتی بزرگ برای مؤمنان آمده است. ﴿۵۷﴾



آیه ۵۷- قرآن برای عموم مکلفان «موعظه و شفاء» و برای خصوص مؤمنان هدایت و رحمت است.

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ إِنَّ اللَّهَ أَدْنَىٰ لَكُمْ أُمَّ عَلَى اللَّهِ تَقْتُرُونَ ﴿٥٩﴾

بگو: «فقط به فضل و رحمت خدا، پس تنها به همین (بزرگ فضیلت رحمت ربانی) باید مؤمنان شادمان شوند.» (هم) او از هر چه گرد می‌آورند بهتر است. ﴿۵۸﴾ بگو: «آیا دیدید، آنچه از روزی که خدا برایتان فرود آورده پس بخشی از آن را حرام و (بخشی را) حلال گردانیده‌اید؟» بگو: «آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا افترا می‌بندید؟» ﴿۵۹﴾

آیه ۵۹- «اذن لکم» جعل شرعی رسالتی است و نه تشریحی، که در انحصار خداست، و این جعل حلال و حرام در انحصار آن اذن شرعی رسالتی و یا افتراء علی الله است.

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْءَانٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُبَيِّضُونَ فِيهِ وَمَا يَغْرَبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ لَيْلًا تَنَسَكُونَ فِيهِ وَأَلْهَمَارَ مُبْصِرًا إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾

و کسانی که بر خدا افترا می‌بندند، به روز رستاخیز چه گمانی دارند؟ بی‌گمان، خدا بر مردمان کانون بخشش است، ولی بیشترشان سپاس نمی‌گزارند. ﴿۶۰﴾ و در هیچ حال و کاری نباشی و از او [خدا] هیچ (آیه‌ای) از قرآن نخوانی. و هیچ کاری نمی‌کنید، مگر اینکه ما بر شما گواه بوده‌ایم، آن‌گاه که بی‌امان در ژرفای آن غوطه‌ورید. و هم‌وزن ذره‌ای - نه در زمین و نه در آسمان - از پروردگارت پنهان نیست. و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، (چیزی) نیست، مگر (اینکه) در کتابی روشن‌گر است. ﴿۶۱﴾ ها‌نا! بی‌گمان بر دوستان (و پیروان) خدا نه هرگز بیمی است، و نه آنان اندوهگین می‌شوند. ﴿۶۲﴾ کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می‌ورزیده‌اند: ﴿۶۳﴾ در زندگی دنیا و در آخرت برترین مژده تنها برای آنان است. کلمات خدا هرگز تبدیل‌پذیر نیست. این همان کامیابی بی‌رنج بزرگ است. ﴿۶۴﴾ و سخن (ناهنجار) آنان تو را غمگین نکند. به‌راستی تمامی عزت‌ها تنها از آن خداست (و) او بسیار شنوای داناست. ﴿۶۵﴾ ها‌نا! هر که (و هر چه) در آسمان‌ها و هر که (و هر چه) در زمین است تنها از آن خداست، و کسانی که غیر از خدا شریکانی را (برایش) می‌خوانند (اینان) از آنان پیروی نمی‌کنند. اینان جز از گمان پیروی نمی‌نمایند و جز دروغ‌پردازی - بر مبنای گمان (بی‌پایه) - ندارند. ﴿۶۶﴾ او کسی است که برای شما شب را قرار داد تا در آن آرامش گیرید، و روز را بیننده (برای شما گردانید). بی‌گمان، در این (امر) برای گروهی که می‌شنوند نشانه‌هایی است. ﴿۶۷﴾

آیه ۶۷ - بر حسب این آیه، اصولاً شب برای آرامش است، و روز برای کار و کاوش و کوشش، گرچه عکس آن دو نیز احیاناً بر حسب آیاتی دیگر درست است؛ ولی آرامش روز هرگز جای آرامش شب را نمی‌گیرد.

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ  
إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا اتَّقُوا لَنْ عَلٰى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۶۸﴾

گفتند: «خدا فرزندی برای خود برگرفته، او منزّه (و) بی‌نیاز است. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست. بر این (ادعا) نزد شما هیچ گونه (برهان و) سلطه‌ای نیست. آیا چیزی را که نمی‌دانید، به دروغ بر خدا می‌بندید؟ ﴿۶۸﴾»

آیه ۶۸ - «هو الغنی» نه «هو غنی» بیانگر این حقیقت است، که بی‌نیازی مطلق در انحصار خداست، و همهٔ آفریدگان نیازمند به اویند.

قُلْ إِنْ الَّذِينَ يَقْتَرُونَ عَلٰى اللَّهِ الْكٰذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿۶۹﴾ مَتَّعَ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿۷۰﴾ وَأَثَلْ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَدَّمُ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكَّرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿۷۱﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلٰى اللَّهِ وَآمِرْتُمْ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۷۲﴾ فَكَذَّبُوهُ فَتَبٰىنَهُ وَمَنْ مَّعَهُ فِي الْفٰلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خٰلِفَافٍ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿۷۳﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذٰلِكَ نَطْبَعُ عَلٰى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿۷۴﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا

وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿۷۵﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿۷۶﴾

بگو: «کسانی که بر خدا همواره دروغ می‌بندند، رستگارکننده نیستند.» ﴿۶۹﴾ (این) بهره‌ای است اندک در دنیا؛ سپس بازگشتشان تنها به سوی ماست. پس آن‌گاه به (سزای) آنچه کفر می‌ورزیده‌اند، عذابی سخت به آنان می‌چشانیم. ﴿۷۰﴾ و خبر بزرگ نوح را بر آنان بخوان، چون به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر جایگاه (رسالتی) من (در میان شما) و یاد آوردنم با آیات خدا، بر شما گران آمده است، من تنها بر خدا توکل کرده‌ام. پس کارتان را و (کار) شریکان (ساخته‌ی) خودتان را در جمع‌تان همدست (و همدستان) کنید، سپس کارتان بر شما پوشیده: مجهول و تحیربار نماند. پس آن‌گاه در باره‌ی من تصمیم بگیرید و مهلتم (هم) ندهید.» ﴿۷۱﴾ «در نتیجه اگر روی گردانیدید، من مزدی از شما نخواستم. پاداش من جز بر خدا نیست. و مأمور شده‌ام که از تسلیم‌کنندگان (خود و دیگران در برابر خدا) باشم.» ﴿۷۲﴾ پس او را تکذیب کردند. آن‌گاه وی را با کسانی که در کشتی همراه او بودند نجات دادیم، و اینان را جانشینان (آنان) ساختیم، و کسانی را که با آیات ما (همان‌ها و ما را) تکذیب کردند غرق کردیم. پس بنگر فرجام هشدار داده‌شدگان چگونه بود. ﴿۷۳﴾ سپس، بعد از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم. پس آنان با دلایل آشکار سويشان آمدند، ولی ایشان بر آن نبودند به چیزی که پیشتر با آن (همان‌ها) تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند. این‌گونه ما بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهمیم. ﴿۷۴﴾ سپس، بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود، سوی فرعون و سرانش فرستادیم. پس گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بوده‌اند. ﴿۷۵﴾ پس چون حق از نزد ما سويشان آمد گفتند: «بی‌گمان این سحری آشکارگر است.» ﴿۷۶﴾

آیه ۷۶ - «الحق» - که همان حق و حیانی قرآنی می‌باشد - به معنای حق صد در صد است، که در قرآن تا پایان جهان نمایان می‌باشد، و این خود مانند آیاتی بسیار، دلیل بر خاتمیت قرآن است.

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِرُونَ ﴿٧٧﴾  
 قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ  
 وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنذِرُونِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا  
 جَاءَ السَّحْرَةَ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَتَقُوا قَالَ مُوسَىٰ مَا  
 جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾

موسی گفت: «آیا هنگامی که حق سوی شما آمد، می‌گویید آیا این سحری است؟ حال آنکه جادوگران رستگار نمی‌کنند.» ﴿۷۷﴾ گفتند: «آیا سوی ما آمده‌ای تا ما را از شیوه‌ای که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم روی گردان کنی، و بزرقواری در این سرزمین تنها برای شما دو تن باشد؟ در حالی که ما برای شما دو تن ایمان (و اطمینان) آورنده نیستیم.» ﴿۷۸﴾ و فرعون (به کارگردانانش) گفت: «هر جادوگر دانایی را پیش من آورید.» ﴿۷۹﴾ پس چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را شما اندازنده‌اید بیندازید.» ﴿۸۰﴾ پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه را شما (به میان) آوردید سحر است. زودا (که) خدا آن را همواره باطل کند. بی‌گمان خدا کار مفسدان را اصلاح نمی‌کند.» ﴿۸۱﴾

آیه ۸۱ - «سیبطله» - که پس از سحر آمده دلیلی است بر ابطال تمامی سحرها بخصوص آن سحرهایی که در برابر معجزات است، و بعنوان اعجاز وانمود می‌شود.

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾

و خدا با کلمات خود، حق را پای برجا و راست می‌آورد؛ هر چند بزهکاران را هرگز خوش نیاید. ﴿۸۲﴾

آیه ۸۲ - «بکلماته» هم کلمات حق است و هم کلمات الله، که حق را بگونه‌ای مطلق با کلمات و دلالت‌های حقانی ثابت می‌کنند.

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾

پس (سرانجام) کسانی برای موسی ایمان نیاوردند مگر گروهی اندک از قوم وی [فرعون] در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سرانشان ایشان را عذابی آتش‌بار رسانند. حال آنکه فرعون در آن سرزمین بی‌چون بسی زبردست و (هم) او بی‌گمان از اسرافکاران است. ﴿۸۳﴾

آیه ۸۳ - «من قومه» به معنای قوم خود، و قوم فرعون است که بخشی از آنان همان ساحرانند.

وَقَالَ مُوسَىٰ يَنْقُومُ إِن كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾  
 فَقَالُوا عَلَىٰ اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ  
 مِّنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ  
 بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾

و موسی گفت: «ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده بوده‌اید (و) اگر (در برابرش) مسلم بوده‌اید پس بر او توکل کنید.» ﴿۸۴﴾ پس گفتند: «تنها بر خدا توکل کردیم. پروردگاران! ما را برای گروه ستمگران (مورد) آزمایشی آتش‌بار قرار مده.» ﴿۸۵﴾ «و ما را به رحمت خویش، از گروه کافران نجات بخش.» ﴿۸۶﴾ و سوی موسی و برادرش وحی کردیم که: «شما دو تن برای قوم خود در مصر

خانه‌هایی آماده کنید و سراهایتان را رویارویشان و هم قبله گاه (و ملجأ و پیشوای) مردمان قرار دهید، و نماز را بر پا بدارید.» و مؤمنان را بشارت ده. ﴿۸۷﴾

آیه ۸۷ - «واجعلوا بیوتکم قبله» به دو معنی است، که اولاً موسی و برادرش خانه‌های خود را مقابل و برابر یکدیگر قرار دهند، که از یکدیگر آگاهی مداوم داشته باشند، و در ثانی این هر دو خانه، باید بگونه‌ای آزاد در برابر بنی اسرائیل باز باشد که استقبالشان بدون هیچ مانعی در رفع نیازهاشان و پرسش‌هاشان نسبت به این دو خانه رسالتی همیشگی باشد، چنانکه «تَسْبِؤًا» جایگزین کردن آنان در خانه‌هایی در امان و برابرشان می‌باشد.

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۸۸﴾

و موسی گفت: «پروردگاران! توبه فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیوری و اموالی بسیار داده‌ای - پروردگاران! - تا (دیگران را) از راه توبه بیراهه کشند پروردگاران! اموالشان را محو و نابود کن و آنان را سخت دل گردان (چنان) که ایمان نیاورند، تا (هنگامی که) آن عذاب دردناک را ببینند.» ﴿۸۸﴾

آیه ۸۸ - «ليضلوا عن سبيلك» که اضلالی پیامد زینت و اموال زندگی دنیوی است، این خود نتیجه طبیعی برای این دنیا پرستان بوده و نه تنها غایتی ربانی، وانگهی ربانی بودن این نتیجه هم به حساب عذابی دنیوی، عادلانه است.

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۸۹﴾  
وَجَسْرَتَنَا بِنِيَّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّىٰ إِذَا

أَذْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ يَبْنُوْا إِسْرَائِيلَ وَآنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿۹۰﴾

(پروردگار) فرمود: «درخواست شما (هر) دو (نفر) پذیرفته شد. پس همواره پایداری جوید و راه کسانی را که نمی‌دانند هرگز پیروی نکنید.» ﴿۸۹﴾ و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. پس فرعون و سپاهیانش - از روی ستم و تجاوز - به سرعت آنان را دنبال کردند. تا آن هنگام (و هنگامه‌ای) که غرق گریبانش را فرو گرفت. گفت: «(اکنون) ایمان آوردم که هیچ معبودی - جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند - نیست، و من از تسلیم‌کنندگان (خود) و دیگران به خدا) هستم.» ﴿۹۰﴾

آیه ۹۰ - «قال» اینجا دلیلی است بر ایمانی لفظی و منافقانه، وگرنه «انی تسبت الان» برای توبه ایمانی کافی بود.

ءَالْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۹۱﴾

(بدو گفته شد): «اکنون (ایمان می‌آوری)؟! در حالی که پیش از این همواره نافرمانی می‌کردی و از افسادگران بوده‌ای؟» ﴿۹۱﴾

آیه ۹۱ - «ءالْتَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ» از جمله آیاتی است که ایمان در هنگامه عذاب را نابهنگام و مردود خوانده، زیرا این خود ایمان نیست، به ویژه افسادهای کفر و عنادی که در بر داشته، باستثنای ایمانی حقیقی مانند قوم یونس «لَمَّا آمَنُوا...» (۹۸:۱۰).

فَأَيُّوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَتِنَا لَغَفِلُونَ ﴿۹۲﴾

«پس امروز جسدت را (از این غرقاب) نجات می‌دهیم تا برای کسانی که از پی

تو می‌آیند نشانه‌ای باشی، و بی‌گمان بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما بسی غافل‌اند.» ﴿۹۳﴾

آیه ۹۲ - «بیدنک» دلیل است بر نجات مستمر و دائمی بدن فرعون، که دریا او را برون افکند، تا برای آیندگان نشانه‌ای ربانی برای تباهی فرعون و فرعونیان باشد، و من خودم در سفری به قاهره در موزه مومیائی بدن، مومیائی شده فرعون را از نزدیک دیدم، و به شخص انگلیسی - که آنجا مشغول بازدید از موزه بود - گفتم: مگر این بدن فرعون نیست؟ و خدا در قرآن به جریان ماندن این بدن برای بینندگان پیام داده، گفت: این خود علم غیب و ویژه خداست، و دلیلی روشن است بر وحیانی بودن قرآن.

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأً صِدْقٍ وَرَزَقْنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۹۳﴾  
فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُرْءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿۹۴﴾

و به راستی و درستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه: پایگاه و آرامگاه نیکو پناهگاه و مأوای راست و درستی دادیم، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم. پس اختلاف نکردند مگر پس از آنکه علم برایشان آمد. بی‌گمان پروردگارت روز قیامت درباره‌ی آنچه بر سر آن اختلاف می‌کرده‌اند میانشان داوری خواهد کرد. ﴿۹۳﴾ پس اگر از آنچه سوی تو نازل کرده‌ایم در شکی بوده‌ای، از کسانی که پیش از تو کتاب (آسمانی) می‌خوانند بپرس. به راستی تمامی حق (شایسته و ممکن) به درستی از جانب پروردگارت سوی تو آمده. پس زنه‌ار از تردیدکنندگان مباش. ﴿۹۴﴾

آیه ۹۴ - «شک» در این آیه دارای دو بُعد است: عمومی و خصوصی، عموماً همیشه درباره‌ی کسانی است که در وحیانی بودن قرآن دچار شک هستند، که اینجا مأموریت دارند برای بر طرف شدن شکشان به آگاهان نسبت به سایر کتب و حیانی مراجعه کنند، و طبعاً پاسخ درستشان این است که وحیانی بودن قرآن نسبت به سایر کتب و وحی در اولویتی قطعی است، سپس شک خصوصی که مثلاً درباره‌ی خود پیامبر حامل قرآن باشد، کلاً این هرگز بیانگر شک به آن حضرت نیست، زیرا نزول قرآن بر حضرتش، خود لازمه رسالت و علم به این وحی آخرین است، و اینجا که تعبیر از شک شده، بعنوان مماشات در برابر کافران است، که اگر شکی دارید دست کم نظر منصفانه‌ای از اهل کتاب - در صورتیکه به درستی آنرا می‌خوانند و می‌فهمند - شک شما را بر طرف می‌کند.

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿۹۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۹۶﴾ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۹۷﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ ءَامَنَتْ فَنَمَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۹۸﴾

و هرگز از کسانی مباش که با آیات ما (همان‌ها و ما را) تکذیب کردند، که از زیانکاران خواهی بود. ﴿۹۵﴾ بی‌گمان، کسانی که سخن پروردگارت (در عذابشان) بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند، ﴿۹۶﴾ و هر چند تمامی نشانه‌ها (ی ربانی) برایشان بیاید؛ تا (هنگامه‌ای که) آن عذاب دردناک را ببینند. ﴿۹۷﴾ پس چرا هرگز هیچ گروهی نبوده است که (به هنگام عذاب) ایمان بیاورد، پس ایمانشان به حالشان سودی بخشد؛ مگر قوم یونس که وقتی (در آخرین لحظات) ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان بر

طرف کردیم، و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم (چندان که توبه خود را نشکنند)، ﴿۹۸﴾

آیه ۹۸ - بر حسب آیاتی چند، ایمان به هنگام بلای حتمی هرگز پذیرفته نیست، ولی در این آیه استثناء ایمان قوم یونس را - که گرچه در حال بلا بوده اند - چون همراه با حقیقت هم بوده است، مادامی که از آن برنگشته اند، مورد پذیرش قرار داده است.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۹۹﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۱۰۰﴾

و اگر پروردگارت می خواست همواره هر که در زمین است، همگان یکسره ایمان می آوردند. آیا پس تو (هستی که) مردم را ناگزیر می کنی (از ایمان آوردن) کسان باشند؟ ﴿۹۹﴾ و هیچ کس را چنان نبوده است که جز به اذن خدا ایمان بیاورد. و خدا بر (سر و سامان) کسانی که خردورزی نمی کنند، پلیدی قرار می دهد. ﴿۱۰۰﴾

آیات ۹۹ و ۱۰۰ - تحقق ایمان کل مکلفان را در اختصاص مشیت الهی دانسته، و ایمان مؤمنان را هم باذن الله دانسته بدین معنا که خواستاران ایمان را همواره یاری می دهد تا ایمانشان تحقق یابد و پلیدی کفر معاندان را افزون می کند.

قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْأَيْتُ وَالنُّذُرُ عَنِ الْقَوْمِ لَآ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۰۱﴾

بگو: «بنگرید در آسمانها و زمین چیست؟» و (اما) نشانه ها و هشداردهندگان گروهی را که ایمان نمی آورند بی نیاز نمی کنند. ﴿۱۰۱﴾

آیه ۱۰۱ - اینجا که کل مکلفان مأموریت دارند تا سرحد توانشان نگرشی در آسمانها و زمین افکنند، این جریان کل زمانهای تکلیف را در بر دارد، و چون نگرش هر چند دقیقتر و نزدیکتر باشد، گزارش بهتری را نسبت به شناخت آفریدگار در بر دارد، روی این اصل در زمانهای مانگرشهای کیهانی را نیز شامل است، که دیدن و بررسی کردن آسمانها و کرات آسمانی پس از نگرشی راستا در زمین و آسمان تکاملی روز افزون در معرفت است.

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانظُرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿۱۰۲﴾ ثُمَّ تَنْجِي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۳﴾

پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می برند؟ بگو: «انتظار برید که من (نیز) با شما از منتظرانم.» ﴿۱۰۲﴾ سپس فرستادگان خود را - و کسانی را که گرویدند - (از شکنجه) می رهانیم. این حقی است بر عهدهی ما که مؤمنان را نجات دهیم. ﴿۱۰۳﴾

آیه ۱۰۳ - «ننجی رسلنا» چ که در بر گیرنده نجات یافتن کل رسولان و مؤمنان به آنان است، مربوط به رجعت این بزرگواران در دولت جهانی ولی امر عجل الله تعالی فرجه است، که این خود بر حسب آیه (۱۰۲) مورد انتظار همگان می باشد، و در این رجعت شکوهمند کل ستمکاران تاریخ نیز رجعت می کنند، و از آنان در همین دنیا انتقامی گرفته می شود.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَنْ يَكُنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّكُمُ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰۴﴾ وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۰۵﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ

اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

بگو: «هان ای مردمان! اگر در دین من تردید داشته‌اید، پس (من) کسانی را که به جز خدا می‌پرستید نمی‌پرستم. بلکه خدایی را می‌پرستم که شما را همی می‌میراند، و دستور یافته‌ام که از مؤمنان باشم.» ﴿١٠٦﴾ و اینکه چهره (ی فطرت) ات را برای دین - در حال رویگردانی از هر باطلی - برآور، و زنهار از مشرکان مباش. ﴿١٠٥﴾ و پس از خدا، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند مخوان. پس اگر چنان کنی، در آن صورت بی‌گمان از ستمکارانی. ﴿١٠٦﴾ و اگر خدا به تو زیانی رساند هیچ رهننده‌ای (از این زبان) جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد بخشش او را هیچ رد کننده‌ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می‌رساند، و تنها او بسی پوشنده‌ی رحمت‌گر بر ویژگیان است. ﴿١٠٧﴾ بگو: «هان ای مردمان! بی‌گمان تمامی حق (در حد امکان) از (جانب) پروردگارتان برایتان آمده است. پس هر کس هدایت یابد تنها به سود خویش هدایت می‌یابد، و هر کس گمراه گردد، تنها به زیان خود گمراه می‌گردد، و من بر (سر و سامان) تان کارسازی نیستم.» ﴿١٠٨﴾ و آنچه را سوی تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیبایی نمای، تا خدا (میان تو و آنان) حکم کند. و او بهترین حاکمان است. ﴿١٠٩﴾

### تألیفات عربی حضرت آیه‌الله‌العظمیٰ دکتر صادقی تهرانی

- ۱ - الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّة « ۳۰ مجلداً »
- ۲ - التفسیر الموضوعی بین الكتاب و السنّة « ۳۰ مجلداً »
- ۳ - الفقه المّقارن بین الكتاب و السنّة « ۸ مجلّدات »
- ۴ - عقائدنا
- ۵ - المقارنات
- ۶ - رسول الإسلام فی الكتب السماویة
- ۷ - حوار بین الإلهیین و المادیین
- ۸ - علیّ و الحاکمون
- ۹ - علی شاطیء الجمعة
- ۱۰ - فقیاتنا
- ۱۱ - أین «الکراسة»
- ۱۲ - مقارنات فقهیة
- ۱۳ - تاریخ الفکر و الحضارة
- ۱۴ - لماذا نصلى و متى نقصر من الصلاة؟
- ۱۵ - لماذا انتصرت اسرائیل و متى تنهزم؟
- ۱۶ - حوار بین اهل الجنة و النار
- ۱۷ - المناظرات
- ۱۸ - المسافرون
- ۱۹ - تبصرة الفقهاء بین الكتاب و السنّة
- ۲۰ - تبصرة الوسيلة بین الكتاب و السنّة
- ۲۱ - أصول الاستنباط بین الكتاب و السنّة
- ۲۲ - غوص فی البحار بین الكتاب و السنّة
- ۲۳ - الفقهاء بین الكتاب و السنّة
- ۲۴ - شذرات الوسائل و الوافی «مخطوط»
- ۲۵ - البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن

## تألیفات فارسی حضرت آية الله العظمى دكتور صادقى تهرانى

- ۱- بشارات عهدین
  - ۲- ستارگان از دیدگاه قرآن
  - ۳- اسرار، مناسک و ادله‌ی حج
  - ۴- انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق
  - ۵- آفریدگار و آفریده
  - ۶- حکومت قرآن
  - ۷- دعاهاى قرآنى
  - ۸- حکومت مهدى عجل الله تعالى فرجه
  - ۹- آیات رحمانی
  - ۱۰- گفت‌وگویی در مسجدالنبی ﷺ
  - ۱۱- مسیح عليه السلام از نظر قرآن و انجیل
  - ۱۲- خاتم پیامبران
  - ۱۳- سپاه نگهبانان اسلام
  - ۱۴- مفت خواران
  - ۱۵- قرآن و نظام آموزشی حوزه
  - ۱۶- قضاوت از دیدگاه کتاب و سنت
  - ۱۷- حکومت صالحان یا ولایت فقیهیان
  - ۱۸- ماتریالیسم و متافیزیک
  - ۱۹- مفسدین فی الارض
  - ۲۰- نماز جمعه
  - ۲۱- نماز مسافر با وسایل امروزی
  - ۲۲- پیروزی اسرائیل چرا و شکست آن کی؟
  - ۲۳- برخورد دو جهان بینی
  - ۲۴- حقوق زنان از دیدگاه قرآن و سنت
  - ۲۵- رساله‌ی توضیح المسائل نوین
  - ۲۶- فقه گویا
- ۲۷- ترجمان وحی (ترجمه و تفسیر فارسی مختصر قرآن)
  - ۲۸- ترجمان فرقان (تفسیر فارسی مختصر قرآن کریم پنج جلدی)
  - ۲۹- مسافران (نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافر)
  - ۳۰- تفسیر سوره‌ی حمد (ترجمه فارسی الفرقان)
  - ۳۱- وصیت و ارث از دیدگاه کتاب و سنت
  - ۳۲- طهارت و نجاست از دیدگاه کتاب و سنت
  - ۳۳- نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر
  - ۳۴- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره نجم)
  - ۳۵- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره یونس)
  - ۳۶- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره نوح)
  - ۳۷- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره حجرات)
  - ۳۸- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره واقعه)
  - ۳۹- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره ابراهیم)
  - ۴۰- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره مریم)
  - ۴۱- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره یاسین)
  - ۴۲- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره لقمان)
  - ۴۳- ترجمان فرقان (تفسیر مختصر سوره یوسف)